**سرآغاز:**

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را

که به ماسوا فکندی همه سایه هما را

دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین

به علی شناختم من به خدا قسم خدا را

به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند

چو علی گرفته باشد سر چشمه بقا را

برو ای گدای مسکین در خانه علی زن

که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت

متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را...

بسم الله العلی العالی الاعلی

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم.

حمد و سپاس خدایی را سزاست که به دستان پرمهر پدر برکت و به آغوش لطیف او امنیت ارزانی داشت.

سلام و درود بر نبی مکرم اسلام، حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله وسلم) و بر برادر و جانشین او، مولی الموحدین، امام المتقین، یعسوب الدین، سید الوصیین، حضرت امیرالمومنین، علی بن ابی‌طالب (علیه السلام).

و نیز با سلام و درود بر پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء).

همراهان، دوستان، همرازان؛ درود و سلام‌تان باد. اینجانب **مسعود پایمرد** فرارسیدن سالروز میلاد باسعادت حضرت علی (ع) و روز پدر را خدمت شما و تمامی پدران و مردان این سرزمین، و نیز تمام دوست‌داران آن حضرت در سرتاسر جهان تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

خدای متعال را شاکرم که توفیق خدمت به شما دوستان را در این روز عزیز به ما عطا فرمود.

عرض خیرمقدم و شادباش دارم محضر ارزشمند ............................ *(اسامی میهمانان برنامه را ذکر کنید)* و نیز همه‌ی شما عزیزان و دوستان بزگوار که با قدوم سبز و وجود با صفای خود مجلس ما را آراسته‌اید.

این برنامه به همت والای ........................ برگزار می‌گردد که جا دارد مراتب تقدیر و تشکر خود را از تمامی فعالین این (گروه، مجموعه، یا...) اعلام دارم.

در این قسمت برنامه دعوت می‌کنم از ............................. که جهت عرض سلام و شادباش خدمت شما میهمانان گرامی به جایگاه تشریف فرما شوند.

**شعر: (مدح امیرالمومنین)**

سجده و اشک و استغاثه علي

شرف و عزت و حماسه علي

هر چه خوبي که آفريده خدا

همه يک جا شده خلاصه: علی

شاعر: «یوسف رحیمی»

**شعر: (مدح امیرالمومنین)**

تا صورت پیوند جهان بود، على بود

 [تا نقش](http://www.doostiha.ir/1392/08/02/%D8%A7%D8%B4%D8%B9%D8%A7%D8%B1-%D8%B2%DB%8C%D8%A8%D8%A7-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D8%AF%D8%AD-%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85-%D8%B9%D9%84%DB%8C-%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87-%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85.html) زمین بود و زمان بود، على بود

شاهى كه ولى بود و وصى بود، على بود

سلطان سخا و كرم و جود، على بود

آن لحمك لحمى بشنو تا كه بدانى

آن یار كه او نفس نبى بود، على بود

آن شاه سرافراز كه اندر شب معراج

 با احمد مختار یكى بود، على بود

این کفر نباشد، سخن کفر نه این است

 تا هست، على باشد و تا بود، على بود

«مولانا جلال‌الدین محمد بلخی»

**متن ادبی: (ستایش پدر)**

پدر جان:

نگاهت معنویت،

وقارت انسانیت،

صلابتت حرکت،

طمانینه ات تفکر

و بیانت عروج می بخشد.

تو را می ستایم و دستان پرمهرت را می فشارم.

روزت مبارک!

دلت شاد و لبت خندان بماند

برایت عمر جاویدان بماند

خدارا می دهم سوگند بر عشق

هر آن خواهی برایت آن بماند

تنت سالم ، سرایت سبز باشد

برایت زندگی آسان بماند

**شعر: (مدح امیرالمومنین)**

امیرُالحق، امیرُالعشق، امیرُالمومنینی تو
خدایی یا بشر؟ حیدر! نه آنی تو، نه اینی تو

زبان شاعرانت میشوم، میپرسم ازخالق
چگونه آفریدت؟ کاین‌چنین شورآفرینی تو

توشیرحق، توکراری، ولی الله و قهاری
درِعلم نبی ونفس ختم المرسلینی تو

یداللهی و سیف‌الله، روح‌الله و سرّالله
امین‌اللهی ویعسوبی وحبل‌المتینی تو

مع‌الحقی و وجه‌الله، نورالله و عین‌الله
چه می‌ماند دگر ازحق؟ همین ست او همینی تو

خراب آباد شعر من کجا؟ نازقدمهایت؟
چرا اینگونه شاها! باگدایان مینشینی تو؟

شاعر: «قاسم صرافان»

**شعر: (ستایش پدر)**

ای پدر ای با دل من همنشین

ای صمیمی، ای بر انگشتر نگین

ای پدر ای همدم تنهاییم

آشنایی با غم تنهاییم

ای پدر بوی شقایق می‌دهی

عاشقی را یاد عاشق می‌دهی

با تو سبزم، گل بهارم ای پدر

هر چه دارم از تو دارم ای پدر

**متن ادبی: (ستایش پدر)**

پدر! گرچه خانه ما از آینه نبود؛ اما خسته‏ ترین مهربانی عالم، در آینه چشمان مردانه‏ات، کودکی‏هایم را بدرقه کرد، تا امروز به معنای تو برسم.

می‏خواهم بگویم، ببخش اگر پای تک درخت حیاطمان، پنهانی، غصه‏هایی را خوردی که مال تو نبودند!

ببخش اگر ناخن‏های ضرب‏ دیده ‏ات را ندیدم که لای درهای بسته روزگار، مانده بود و ببخش اگر همیشه، پیش از رسیدن تو، خواب بودم؛ اما امروز، بیدارتر از همیشه، آمده‏ام تا به جای آویختن بر شانه تو، بوسه بر بلندای پیشانی‏ات بزنم. سایه‏ات کم مباد ای پدرم!

عجب تصادف قشنگی است که امروز در تقویم، کلمات هم‏معنی، کنار هم چیده شده‏اند. و این یعنی در دائرة المعارف عشق، پدر، ترجمه علی (علیه ‏السلام) است.

**حسن ختام:**

خداوند متعال را شاکرم که در این روز عزیز و عظیم، که به نام مطهر حضرت امیرمومنان، علی (ع) و نیز به یاد پدر، این هدیه‌ی زیبای خداوند، مزین شده است توفیق خدمت به شما گرامیان را بهره‌ی من ساخت.

پدر! ای عصاره‌ی هستی، ای خون گرم نشاط در رگ‌های حیات، دستان گرمت را می‌فشارم و برایت، از آفریننده‌ی مهربان دلی شاد و لبی خندان، و صحت و سلامت و عافیت مسئلت دارم.

صفحه صفحه ی روزگارتان  منقّش  به نام  نامی عشق، عشقتان مشحون از شور  و شرف، شرفتان آکنده از شعر و شعور و سپهر اقبالتان سرشار از سرور و سَروری و سَرمدی. شادمان و شایگان باشید. به شوق دیدار، خدا نگهدار.

**یادداشت:**